

فهرست

سخن ناشر / ۹

مقدمه / ۱۳

———— [۱] ————

زمینه / ۱۷

فضای سیاسی و فکری / ۱۷

زندگی و آثار / ۲۱

———— [۲] ————

شرح مختصر موضوعات / ۲۹

سرشت بشر / ۳۱

روان‌شناسی و جامعه / ۳۶

———— [۳] ————

مطالعه‌متن / ۴۳

کتاب یک / ۴۳

از آزادی به قیدوبندها (۱) / ۴۵

زاده‌شده برای حکمرانی (۲) / ۴۹

قدرت حق است (۳) / ۵۵

بردگی (۴) / ۵۷

یک پیمان اجتماعی (۵-۶) / ۶۳

هیئت حاکمه (۷) / ۷۰

آزادی واقعی (۸) / ۷۴

مالکیت (۹) / ۸۱

چکیده مطالب / ۸۷
پرسش‌های تمرینی / ۸۸
کتاب دو / ۸۹
ماهیت هیئت حاکمه / ۸۹
ماهیت اراده عمومی (۳-۴) / ۹۵
تشخیص اراده عمومی (کتاب چهارم فصل ۱-۲) / ۱۰۶
قانون (۵-۶) / ۱۱۶
قانون‌گذار (۷-۱۲) / ۱۲۲
شایستگی ملت‌ها (۸-۱۱) / ۱۳۴
چکیده مطالب / ۱۳۸
پرسش‌های تمرینی / ۱۴۲
کتاب سه و چهار / ۱۴۳
حکومت (ک ۳، ف ۱-۲) / ۱۴۳
انواع حکومت (ک ۳، ف ۳-۸) / ۱۵۱
زوال و سقوط (ک ۳، ف ۹-۱۱) / ۱۶۱
به‌جای منازعه (ک ۳، ف ۱۲-۱۸) / ۱۶۷
حکومت و مذهب (ک ۴، ف ۱-۸) / ۱۷۴
چکیده مطالب / ۱۸۱
پرسش‌های تمرینی / ۱۸۴

———— [۴] ————

تفسیرها و تأثیرها / ۱۸۵
پاسخ‌های سیاسی / ۱۸۶
عصر روشنگری، رمانتیسم و پس‌از آن / ۱۹۲

پی‌نوشت‌ها / ۱۹۷
کتابنامه و منابعی برای مطالعه بیشتر / ۲۰۳
واژه‌نامه / ۲۰۹
نمایه / ۲۱۱

سخن ناشر

ابن سینا در زندگی نامه خودنوشتش تعریف می‌کند که چهل بار مابعدالطبیعه^۱ ارسطو را خواند و مطلقاً از آن چیزی درنیافت، تا اینکه با خواندن رساله بسیار مختصر فارابی با عنوان اغراض مابعدالطبیعه تمامی زوایای این اثر برای او روشن گشت. کوشش تمثیل‌گونه^۲ او حکایت از این می‌کند که خواننده راهی طولانی تا فهم متن کلاسیک در پیش دارد و در این راه نیازمند راهنماست. اما تلاش برای خواندن این متن‌ها، و برای ما فارسی‌زبانان خواندن ترجمه‌های فارسی آن‌ها، اغلب به مسیری بی‌سرانجام کشیده می‌شود و فهم عمیق و دقیق، رفته‌رفته، جای خود را به ساده‌سازی‌های مبتذل می‌دهد. رفتن به سراغ این متون دشوار و گاهی سهل‌ممتنع استیصالی به بار می‌آورد که ای بسا خواننده را به بازنگری و تردید درباره فهم‌پذیری این متون بیندازد. خواننده پرتلاش اگر از دام این تردیدها بیرون آید، به مطالعه متون درجه دوم روی می‌آورد و به آثار شارحان و مفسران رجوع می‌کند و مدت‌ها در میان شروح مطول و پرجزئیات سرگردان می‌شود و از قضا خود این شروح را نیازمند راهنما می‌بیند. سرانجام، پس از دل‌کندن از این تلاش‌های مدرسی و روشمند و دردسرهای بی‌حاصل، نوبت به تفرج در آثار درجه سوم می‌رسد که بیان شسته‌رفته و ساده‌ای از سیر تفکر یک متفکر می‌دهند و اغلب حاصلی جز فروکاستن وجوه اندیشه^۳ او در قالب کلیشه‌های ساده‌انگارانه ندارند، آثاری که، به جای قدم اول بودن، مهر ختامی بر جست‌وجوهای فکری

خواننده می‌زنند. بدین ترتیب خواننده یا از صرافت خواندن متن کلاسیک می‌افتد یا خود را از خواندن آن‌ها بی‌نیاز می‌بیند. درس‌گفتارهای دانشگاهی، مقالات علمی پژوهشی و تألیف‌های به‌اصطلاح انتقادی، همگی، در رجوع به این آثار درجه دوم و سوم و در تظاهر به رجوع به آثار اصلی که عمدتاً رونوشتی از استنادات شرح‌ها و مقدمه‌هاست - با یکدیگر شریک‌اند. حاصل آنکه آثار کلاسیک هرگز خوانده نمی‌شوند و این منابع اصلی بازخوانی‌های مؤلفانه یا منتقدانه به‌مرور فراموش می‌شوند.

کتاب‌های مجموعه «راهنمای متون کلاسیک» چیزی است در میانه این دو شیوه تقریب به متن؛ نه شرح و تفسیری مفصل است و نه ادعای آسان‌کردن تمام دشواری‌های متن را دارد، بلکه قرار است نقشه‌ای باشد برای گذر از پیچ‌وخم متن. این مجموعه در انتشارات کانتینیوم با عنوان Reader's Guides و با هدف فراهم‌کردن مقدمه‌ای روشن و مختصر برای متون کلاسیک در ادبیات و فلسفه غرب تهیه شده است. نویسندگان این مجموعه هر یک در زمینه کاری خود شناخته شده و صاحب اعتبار هستند و مخاطب کتاب‌ها نیز دارای دانشی در حد کارشناسی و کارشناسی ارشد در رشته‌های مرتبط در نظر گرفته شده‌اند. این کتاب‌ها خواننده را دعوت می‌کنند به خواندن کتاب اصلی و به رفت و برگشت میان کتاب راهنما و کتاب اصلی. بنابراین خواننده باید پس از خواندن بخش‌های مقدماتی کتاب راهنما، به سراغ متن اصلی برود و ابتدا با داشته‌های ابتدایی خود با متن مواجهه شود؛ سپس کتاب راهنما را باز کند و توضیحات مربوط به آن بخش را بخواند؛ این توضیحات مقاصد اصلی اندیشمندان را توضیح می‌دهند و پیوندهای هر بخش را با نظام تفکر او مشخص می‌سازند و به ندرت وارد تفسیری خاص از متن می‌شوند؛ در مرحله آخر نیز خواننده دوباره به متن اصلی رجوع می‌کند و با دانشی افزون دوباره برای حل معماهای متن می‌کوشد.

کتاب‌های این مجموعه از ساختاری واحد پیروی می‌کنند. در بخش اول هر کتاب به زمینه و زمانه نوشته شدن اثر پرداخته شده است، یعنی تلاش شده

است تا متن در درونِ بافتارِ فکری و تاریخی خود قرار گیرد تا نسبت اثر با آثارِ گذشتگان و پیوست و گسست آن با منظومهٔ معرفتی پیشینیان مشخص گردد. در بخش دوم مضامین اصلی اثر به بحث گذاشته شده است تا خواننده فهمی اجمالی از موضوعات و مطالب کتاب پیدا کرده و آمادهٔ ورود به متن اصلی شود. در بخش سوم، نویسنده از مقدمات عبور کرده و وارد خود متن می‌شود. در این بخش، نویسنده با تفکیک متن اصلی به فصل‌ها، بخش‌ها، قسمت‌ها، بندها و حتی جمله‌ها گام به گام خواننده را با خود همراه می‌کند و می‌کوشد تا هم روایتی تکوینی از چگونگی شکل‌گیری و بسط ایده‌ها به دست دهد و هم ربط و نسبت منطقی آن‌ها را بکاود. در بخش چهارم، نویسنده به تأثیرات فکری و تاریخی کتاب مورد نظر می‌پردازد. در انتهای هر بخش از کتاب، پرسش‌هایی پژوهشی نیز طرح شده‌اند تا هم خواننده بتواند مطالب فصل را جمع‌بندی کند و هم خود در آینده به نحو مستقل این پرسش‌ها را مبنای تحقیقش قرار دهد. در انتهای هر کتاب نیز راهنمای مطالعهٔ آثار مرتبط آمده است که خواننده می‌تواند آن را مبنای مرحلهٔ بعدی مطالعه و تحقیقات خود قرار دهد.

انتشارات ترجمان علوم انسانی امیدوار است با ترجمه و انتشار این آثار قدمی در مسیر اندیشیدن سنجیده به اندیشه‌های سنجیده را برداشته باشد. هرچند کتاب‌های این مجموعه و نیز ترجمه‌های آن‌ها عاری از نقص نیستند، اما تلاشمان این بوده است که پژوهشگران علوم انسانی را از طرفی به خواندن متن‌های اصلی متفکران و از طرفی به تلاش برای تفکر به زبان فارسی تشویق کنیم؛ و امیدواریم مخاطبان این آثار نیز با نگاهی نقادانه ما را همراهی کنند.

مقدمه

کتاب قرارداد اجتماعی یکی از مهم‌ترین و تأثیرگذارترین آثار است که تا کنون در فلسفه سیاسی نگاشته شده است. این کتاب از زمان انتشارش، سال ۱۹۶۲، مخاطبانش را، همان قدر که سر شوق آورده، خشمگین کرده، رنجانده، الهام بخشیده و ناامید ساخته است. قرارداد اجتماعی، هرچند نسبتاً موجز و خوش‌خوان نگاشته شده، کتابی نیست که به آسانی درک شود. علی‌رغم مهارت‌های بلاغی روسو و استعداد او در خلق عبارت‌های به یادماندنی، ایده‌هایی که او به بحث گذاشته ایده‌هایی عمیق و غامض‌اند. مسئله اصلی روسو جایگاه مناسب فرد در اجتماع و، به‌طور خاص، این موضوع است که چگونه می‌توان نهادهای سیاسی را به بهترین نحو برای شکوفایی شهروندان و کامیابی آن‌ها سامان داد. همان‌طور که خواهیم دید، روسو در پاسخ به این سؤال از نظریه‌ای دقیق و بدیع در باب ماهیت انسان و روان‌شناسی بهره می‌برد که درک استدلال‌های سیاسی او بدون توجه به آن نظریه دشوار است. اهداف روسو بلندپروازانه است: او می‌خواهد نشان دهد چگونه انسان‌ها می‌توانند راه و رسمی از زندگی پیدا کنند که به واسطه آن استعداد طبیعی، برای [نیل به] رضایت اخلاقی، هم محقق شود و هم افزایش یابد. اگرچه پاسخ‌هایی که او بیان می‌کند به هیچ‌وجه همه مخاطبان را قانع نمی‌کند، متن کتاب مشحون از بصیرت‌هایی درباره وضعیت بشر و نیروهای حاکم بر آن است و به همان اندازه که آموزنده است چالش‌انگیز و دشوار است.

تصور غالب بر این است که ایده‌های سیاسی روسو بیش از حد واجد عناصر ناسازگار است، آن قدر که نمی‌تواند به‌تمامی قانع‌کننده باشد و، هرچند قرارداد اجتماعی حاوی بصیرت‌های بدیعی است، آن قدر منظم نیست که بتوانیم آن را به‌مثابه یک کل منسجم جدی بگیریم. بی‌شک، از نظر من، چندین مثال وجود دارد از جاهایی که روسو ظاهراً فحواي دیدگاه‌هایش را دربارهٔ موضوعات مهمی در نقاط مختلف متن تغییر می‌دهد (همچون توفیق احتمالی خودسامانگری حکومت). علاوه‌براین، توصیف‌های پراکنده و موجز از مفهوم اساسی خودسامانگری حکومت و مفاهیم مهمی همچون ارادهٔ عمومی و نقش قانون‌گذار موجب می‌شود به‌سختی بتوانیم تصویری کاملاً قانع‌کننده از این مفاهیم به دست آوریم. با وجود این، امیدوارم در این راهنمای خواندن نشان دهم تا چه میزان ایده‌های سیاسی و روان‌شناسانهٔ روسو در امتداد هم قرار دارند. من نیز همچون بسیاری از شارحان روسو ایده‌هایی را نقطهٔ عزیمت خود قرار دادم که او در دو اثر مهم قبلی خود، گفتار در باب علوم و فنون^۲ و گفتار در باب منشأ نابرابری^۳، بیان کرده است. اگر استدلال روسو در این رساله‌ها را درست درک کنیم، فراز و نشیب‌های قرارداد اجتماعی بامعنا تر می‌شوند.

در مورد متن کتاب فقط یک بار از ترتیب فصل‌های آن فاصله گرفته‌ام، جایی که به‌نظم بحث از ارادهٔ عمومی در دو بخش ابتدایی کتاب چهار کاملاً مرتبط است با معرفی آغازین کتاب دو. به‌جز این، هر بخش راهنمای خواندن منطبق است با یک فصل یا فصل‌های متوالی از متن اصلی. در پایان بحث هر یک از چهار بخش کتاب، خلاصه‌ای کوتاه و مجموعه سؤالاتی تمرینی وجود دارد. نقل قول‌ها از قرارداد اجتماعی با علامت پراگماتر و به‌شکل اختصار به این ترتیب می‌آیند: (ق، ک، ف) [قاف علامت اختصاری قرارداد اجتماعی، کاف علامت اختصاری کتاب و ف علامت فصل است]. منبع سایر ارجاعات و توضیحات

1. self-regulation

2. *Discourse on the Sciences and Arts*

3. *Discourse on the Origin of Inequality*

تکمیلی در انتهای هر فصل ذکر شده‌اند. با اینکه ترجمه‌های انگلیسی بسیاری از کتاب قرارداد اجتماعی موجود است، در سرتاسر کتاب از ترجمه موریس کرنتون^۱ استفاده شده است. جزئیات این آثار و دیگر آثاری که در این کتاب ذکر شده در فصل آخر با عنوان مطالعه تکمیلی آمده است.^۲

در آماده‌سازی این کتاب از آثار متعددی که درباره روسو نوشته شده بهره برده‌ام. مهم‌ترین این آثار دیکشنری روسو^۳ و روسو: مقدمه‌ای بر نظریه‌های روان‌شناسانه و اجتماعی و سیاسی او^۴ بوده‌اند که هر دو اثر نیکولاس دنت^۵ هستند؛ کتاب روسواز سری کتاب‌های «استادان پیشین»^۶ نوشته رابرت واکلر^۷ و کتاب روسو و قرارداد اجتماعی^۸ اثر کریستوفر برترام^۹، هر یک، کمک‌گران‌بهایی در تفسیر بعضی استدلال‌های غامض روسو کرده‌اند و من مدیون همه این آثار هستم. البته مسئولیت هر اشتباه یا سوء برداشتی با خود من است.

بخت بسیار با من یار بوده است که در خلال نگارش این کتاب از حمایت دوستان و خانواده‌ام برخوردار شوم و به این خاطر بسیار سپاسگزارم. به‌طور خاص قدردان کمک‌های کریستوفر وارن^{۱۰} و دکتر لین لو^{۱۱} هستم؛ این دوستان کسانی بودند که سخاوتمندانه درباره پیش‌نویس این اثر اظهار نظر کردند. همچنین به تام کریک^{۱۲} و سارا داگلاس^{۱۳} در انتشارات کانتینیوم^{۱۴} به خاطر سعه صدر و راهنمایی‌هایشان در تهیه نسخه ماشین‌شده کتاب مدیون هستم.

1. Maurice Cranston

۲. کتاب قرارداد اجتماعی (متن و در زمینه متن)، ترجمه مرتضی کلانتریان، به‌عنوان مرجع ترجمه فارسی در نظر گرفته شده است. بنابراین پس از ذکر (ق، ک، ف)، که منبع ارجاع در نسخه انگلیسی کتاب است، مختصر نام مترجم محترم و شماره صفحه آن نقل قول در ترجمه فارسی نیز به صورت [م. ک.، صفحه] می‌آید [مترجم].

3. *A Rousseau Dictionary*

4. *Rousseau: An Introduction to his Psychological, Social and Political Theory*

5. Nicholas Dent

10. Christopher Warne

6. Past Masters series

11. Iain Law

7. Robert Wokler

12. Tom Crick

8. *Rousseau and the Social Contract*

13. Sarah Douglas

9. Christopher Bertram

14. Continuum

[۱]

زمینه

فضای سیاسی و فکری

ژان ژاک روسو در دوره‌ای می‌زیست که تغییرات شدید اجتماعی و سیاسی اروپا را فراگرفته بود. او در سال ۱۷۱۲ و در آخرین سال‌های زمامداری لویی چهاردهم، نمونه‌ بارز پادشاهی مستبد و خودکامه، به دنیا آمد. در سال ۱۷۷۸ و فقط ده سال پس از مرگ روسو، انقلابیون زندان باستیل را ویران کردند و فاتحه نظام پادشاهی را در فرانسه خواندند. در عصر روسو بنیان‌های انقلاب صنعتی بنا شد، ماشین بخار اختراع شد و سیاحان اروپایی مرزهای استعمار و تجارت را به آسیا، آمریکای شمالی، و اقیانوسیه گسترش دادند. در هنر، شکوه و جلال [سبک] باروک باخ و رامو آرام آرام جایش را به درخشش پرجذبه موتسارت و هایدن^۲ داد و، در همین هنگام، در ادبیات، قالب جدید و تمام‌عیاری به نام رمان

1. Rameau

2. Haydn

در آثار سوئیفت^۱ و فیلدینگ^۲ و ولتر تثبیت شد. در این دوران بود که فیلسوفان و اندیشمندانی همچون دیوید هیوم، آدام اسمیت، جان لاک، بنجامین فرانکلین، و ایمانوئل کانت پاسخ‌های دوران‌سازی به مسائل متافیزیک، دین، اقتصاد، اخلاق، و نظریه سیاسی دادند.

یکی از ویژگی‌های برجسته زندگی روسو ورود او به بسیاری از این حوزه‌های متنوع فعالیت است. روسو در طول عمر خود، همان قدر که با عنوان اندیشمندی سیاسی شناخته می‌شد، در مقام داستان‌نویس، آهنگساز و نمایشنامه‌نویس نیز بنام (یا بدنام) بود. موضوعات کتاب قرارداد اجتماعی، به واسطه ایده‌های روسو درباره سرشت بشر و اساس مشروعیت اجتماع، اکنون از دستاوردهای بسیار مشهور او محسوب می‌شوند؛ او همچنین کمک‌های شایان توجهی به توسعه ادبیات، موسیقی و رویه تعلیم و تربیت کرد. روسو به جای آنکه صرفاً سلايق و دل‌مشغولی‌های زمانه خودش را منعکس کند آن‌ها را به چالش می‌کشید. او همیشه هم مورد پذیرش جریان غالب فکری جامعه نبود و اغلب خودش را با ترکیبی از رادیکالیسم و بدگمانی به دیگران منزوی می‌کرد. با وجود این، پس از مرگش اعتبار ویژه‌ای کسب کرد. روسو را امروزه به عنوان یکی از معماران اصلی عصر روشنگری اروپا و فیلسوف سیاسی برجسته‌ای می‌شناسند.

نگاهی گذرا به بعضی جنبه‌های زندگی روسو برای ارزیابی میراث فکری او مفید خواهد بود. اولین جنبه موفقیت علوم طبیعی و اعتبار فزاینده آن در عصر روسو بود. انسان‌های تحصیل‌کرده (بیشتر مردان) و خلاصی یافته از تعارضات مخرب دینی و نظام ملوک‌الطوایفی کم‌رمتی قرن پیش در عصری نسبتاً سرشار از صلح و ثروت، در گستره تمامی رشته‌ها، نوآوری و ارتقای اختراعات را سرلوحه کار خویش کردند. در مراکز جمعیتی بزرگی همچون پاریس و لندن تبادل ایده‌ها هیچ‌گاه به گستردگی آن زمان نبود.

1. Swift

2. Fielding

پیشرفت‌های نظری در فیزیک و شیمی و ریاضیات، که در سال‌های قبل حاصل شده بود، راه‌حل‌هایی عملیاتی برای مشکلات کشاورزی، حمل‌ونقل، معماری و پزشکی فراهم کرده بود. به عقیده بسیاری کاربست اندیشه انتقادی، پرسشگر و منطقی تقریباً راه‌حل هر نوع مشکلی بود. در تضادی آشکار با عصر ما، که شکاکیت و بدبینی بر آن حاکم است، بیشتر روشنفکران روزگار روسو شیفته امکان پیشرفت بیشتر و ارتقا بودند. کشف جهان گسترده‌تر و کمتر توسعه‌یافته خارج از اروپا عقیده روشنفکران اروپایی را درباره زندگی در جامعه‌ای که از حیث فناوری پیشرفته و بالنده و قدرتمند است به‌طور کلی تقویت می‌کرد.

همگام با پیشرفت‌های علمی، دگرگونی‌های شگرفی نیز در اندیشه اجتماعی و اخلاقی در حال وقوع بود. روحیه و نگرش جست‌وجوگر اندیشمندان، که به اختراع فناوری‌های تأثیرگذار در آن عصر منجر شده بود، تمایل داشت در عرف‌های دینی و سیاسی ریشه‌دار نیز تردید کند. به‌طور خاص، تعداد اندک اما تأثیرگذاری از صاحب‌نظران، که ترسی از مجازات اخروی یا دنیوی نداشتند، کنترل کلیساهای رسمی بر اشاعه و القای تعالیم اخلاقی را از بین بردند. در پاریس، تعداد معدودی از روشنفکران نمونه‌اعلای این روحیه گستاخانه بودند. آن‌ها را به‌عنوان «فیلوزوف» می‌شناختند. یکی از مهم‌ترین اعضای این جنبش دنی‌دیدرو بود. دیدرو کسی بود که مانیفست بزرگ عصر روشنگری، یعنی دایرة‌المعارف، را رهبری می‌کرد. دیدرو و همکارانش، علاوه بر پروژه جاه‌طلبانه‌شان یعنی تهیه فهرست وضعیت کلی دانش انسانی معاصر، بانگارش مجموعه مقاله‌های متنوعی بردباری دینی را مطرح می‌کردند. معتقدات اصلی کلیسا، همچون هر مجموعه اعتقادات دیگری، در فرایند موشکافی عقلانی آزموده و تحلیل می‌شد. اینکه چنین کتابی [یعنی دایرة‌المعارف] در نهایت امکان انتشار یافت حاکی از این بود که قدرت کلیسا در سرکوب انتقادات، از زمان جنگ‌های مذهبی به این طرف، رو به زوال رفته بود.

با وجود این، مقاومت قابل توجهی در برابر بسیاری از این ایده‌ها وجود داشت و دیدرو همواره از سوی مقامات کلیسا در فرانسه تحت هجمه و پیگرد و آزار بود.

البته این بحث که آزادی انتقاد امر مطلوبی است یا خیر بحث مهمی بود، همان‌طور که هنوز هم است. مقامات سیاسی اروپا، که بیشترشان حداقل بخشی از قدرت خود را از همکاری با نهادهای دینی کسب کرده بودند، در پاسخ به کنجکاوی بی‌وقفه فیلولوزوف‌ها و افرادی از این قماش به چند گروه تقسیم شدند. فریدریش دوم^۱، که از حاکمان دلسوز پروس بود، اصلاحاتی در زمینه آزادی بیشتر اندیشه و بیان ایجاد کرد. دیگر حاکمان، همچون لویی پانزدهم^۲، در برابر عقاید مخالف با احتیاط بیشتری مقاومت می‌کردند. به‌رغم اینکه تعدادی از نویسندگان دوره‌گرد همچون دیدرو برای آزادی‌های بیشتر اجتماعی و فکری مبارزه می‌کردند، مجموعه عقاید قدرتمندی نیز وجود داشت که از قواعد مستبدانه و محافظه‌کارانه دفاع می‌کرد. هوگو گروسیوس^۳، نظریه‌پرداز سیاسی، کسی که اغلب روسو از او نقل قول می‌کند، قائل به مرجعیت حقوق شهروان بود. گروسیوس استدلال می‌کند که شهروندان یک دولت حقوق خود را در ازای حمایت از جان و اموالشان به حاکم واگذار می‌کنند و بنابراین هیچ توجیهی برای قیام علیه رژیم‌های استبدادی و سرکوبگر وجود ندارد.

عصر روسو از آن اعصار با آشفتگی فکری بود. در این عصر نیروهای قدرتمندی که زمینه‌ساز تغییر و دگرگونی بودند (فناوری، سکولاریسم، اصلاحات سیاسی) در برابر نیروهای قدرتمند سنت و ثبات (کلیسا و حکومت سلطنتی) صف کشیدند. از بسیاری از جوانب، سنگ بنای اروپای مدرن به نحو محسوسی در این زمان نهاده شد. در آن زمان، اصلاً مشخص نبود که این پروژه چیزی غیر از یک مرحله گذار باشد، هرچند ایده‌های بسیاری از اصلاح‌طلبان بعدها در ایجاد

1. Frederick II

2. Louis XV

3. Hugo Grotius

نهادهای اجتماعی ای، که ما امروز شاهد آن‌ها هستیم نقشی اساسی ایفا کرد. همان‌طور که خواهیم دید روسو، به خصوص قرارداد اجتماعی، سهم بسزایی در این تضارب آرا داشت.

زندگی و آثار

روسو، با هر معیاری که حساب کنیم، شخصیتی خارق‌العاده داشت. او فراتر از کلیشه‌ی تحصیل‌کرده‌ی مؤدب و گوشه‌نشین بود. سفرهای بسیاری در طول زندگی پرحادثه‌ی خود رفت و ذهن جست‌وجوگر و بی‌قرارش (و بعضاً ناراضی‌تبی از آنانی که او را رنجانده بودند) او را به مکان‌های گوناگون می‌کشاند. دغدغه‌ها و عقاید جدی و بعضاً بهت‌آور روسو توجه هم‌عصرانش را به خود جلب می‌کرد، هرچند مخالفت‌های سرسختانه‌ای را نیز پدید می‌آورد. او، به خاطر ایده‌های انقلابی مطرح‌شده در آثارش و همچنین رفتار نامنظم و آشفته‌اش در امور و روابط فردی، شخصیت مناقشه‌برانگیزی داشت. در واقع، همواره رابطه‌ی تنگاتنگی میان افکار پیوسته در حال تغییر روسو و زندگی شخصی پرتلاطمش وجود داشته است. دست‌کم نگاهی گذرا به زندگانی او قبل از پرداختن به افکارش مفید خواهد بود. غنی‌ترین منبع اطلاعاتی که درباره‌ی زندگی روسو وجود دارد زندگی‌نامه‌ی خودنوشت اوست با عنوان اعترافات^۱. این کتاب حجیم شرح بی‌پرده و بعضاً بسیار سرگرم‌کننده‌ای از شکل‌گیری شخصیت و افکار روسوست. آثار دیگری نیز وجود دارد که او در اواخر عمر خود نگاشته است. بعضی از این آثار بیانی تند و اعتراضی دارند و روسو آن‌ها را برای اثبات حقانیت خود نوشته است و برخی نیز خردمندانه و ژرف‌اند. همه‌ی این آثار از مردی حکایت می‌کنند که بی‌وقفه درگیر مسائل بغرنج روابط انسانی است: ماهیت بنیادین انسان چیست؟ امور اجتماعی انسان‌ها چگونه به بهترین نحو سامان می‌یابد؟ موانع پروراندن استعدادهای

1. *The Confessions*

انسان‌ها چیست؟ روسو در زندگی‌نامه‌اش به شدت از کاستی‌های پاسخ‌های دیگران به این سؤالات انتقاد می‌کند، هرچند نارسایی‌های پاسخ‌های خود را نیز از یاد نمی‌برد. در بدترین حالت، روسو شخصی درخود فرورفته و مبتلا به بدگمانی است و، در بهترین حالت، شخصی است که با فراست و وضوحی فوق‌العاده درباره کاستی‌های انسانی و ظرفیت آدمی برای پیشرفت اظهار نظر می‌کند. این مضامین مهم‌ترین مضامین کتاب‌های روسو، به‌ویژه قرارداد اجتماعی، هستند. روسو قرارداد اجتماعی را تقریباً در اواخر عمرش یعنی سال ۱۷۶۲ نگاشت و شهرتش به‌عنوان فیلسوفی سیاسی را عمدتاً مدیون این کتاب است.

به نظر می‌رسد علاقه به مسائل سیاسی خیلی پیش‌تر از این‌ها در او وجود داشت. روسو در سال ۱۷۱۲ در ژنو به دنیا آمد. ژنو در آن زمان دولت شهری مستقل بود که بر اساس خط‌مشی‌های جمهوری خواهانه اداره می‌شد؛ جان کالوین^۱، الهی‌دان پروتستان، این خط‌مشی‌ها را وضع کرده بود. درست برعکس حکومت‌های سلطنتی موروثی که تقریباً بر سرتاسر اروپا حاکم بودند، ژنو را گروهی از شوراهای قانون‌گذاری اداره می‌کردند، شوراهایی که اعضایش را شهروندان ژنو تشکیل می‌دادند. بسیاری از شهروندان ژنو عمیقاً دل در گرو قانون اساسی متمایز حکومتشان داشتند و به حکومت جمهوری آن مباحثات می‌کردند. پدر روسو، ایزاک، کسی که مسئولیت آموزش‌های اولیه ژان ژاک را بر عهده داشت، از جمله این افراد بود. روسوی جوان در کتاب اعترافات از بحث‌هایی که با پدرش داشت یاد می‌کند، بحث‌هایی که ناشی از مطالعه آثار پلوتارک و دیگر نویسندگان کلاسیک بود. روسو طرف‌داری‌ها و علایق دیرین سیاسی خود را به این نویسندگان منتسب می‌کند:

با خواندن این کتاب‌های هیجان‌آور و با گفت‌وگویی که پس از خواندن آن‌ها میان من و پدرم جریان می‌یافت، روحیه آزادمش و جمهوری‌خواهم و منش سرکش و مغرورم، که زیر بار هیچ سلطه و قیدوبندی نمی‌رود، در

1. John Calvin

سراسر زندگی ام [...] شکل گرفت. پرداختن مداوم به رم و آتن و به عبارتی زیستن در میان مردان بزرگ این شهرها مرا، که خود شهروند یک جمهوری بودم و پسر پدری که عشق به میهن پرشورترین سودای زندگی اش بود، همچون او از آتش این عشق شعله ور می ساخت.

علی‌رغم این خاطرات خوشایند قدیمی، دوران کودکی روسو دوران باثباتی نبود. مادر ژان ژاک کمی پس از به دنیا آوردن او از دنیا رفت و بخت و اقبال از خانواده آن‌ها رخت بریست. زمانی که ده سال داشت، پدرش در پی نزاعی از ژنو گریخت. از آن پس دایی روسو سرپرستی او را به عهده گرفت. از آن هنگام، زندگی او دیگر هیچ‌گاه رنگ آرامش به خود ندید. در سال ۱۷۲۸ و پس از دوران مشقت بار شاگردی و اتمام تحصیلات مقطعی، حادثه‌ای در زندگی روسو اتفاق افتاد که او را ترغیب کرد از ژنو فرار کند. او در یک بعدازظهر با دروازه‌های بسته شهر مواجه شد و این اتفاق او را بر آن داشت تا درجایی دیگر بخت خود را بیازماید. روسو چندی را به پرسه‌زدن‌های بی‌هدف گذراند. این پرسه‌ها منجر به آشنایی با فرانسوا لوئیز دو لاتور شد، زنی که به مادام دو وارانس^۱ نیز شهره بود. از آن پس، روسو به مدت دوازده سال روابط صمیمانه‌ی پرفرازونشیبی با این بانو داشت. فرانسوا دو لاتور او را با مذهب کاتولیک آشنا کرد و زمینه‌ساز تغییر مذهب او از پروتستان به کاتولیک شد و همچنین به او موسیقی رسمی تعلیم داد. رفته‌رفته روسو مسئولیت‌های بیشتری در خانه فرانسوا به عهده گرفت و زمانی که فقط بیست و یک سال داشت شریک جنسی او شد، هرچند این رابطه قدری نامتوازن بود. در دورانی که فرانسوا سرپرستی روسو را بر عهده داشت، روسو مطالعه و خواندن را که بسیار از آن لذت می‌برد از سر گرفت. بعدها وقتی روسو به آن دوران و سال‌هایی که در خانه فرانسوا در شهر شامبری گذرانده بود می‌اندیشید، با حسرتی بسیار از آن دوران یاد می‌کرد.

1. François-Louise de la Tour

2. de Warens

سرانجام در سال ۱۷۴۰ رابطه او با فرانسوا به سردی گرایید و یک بار دیگر مجبور به نقل مکان شد. این اتفاق سبب بروز دوره‌ای از بیماری و افسردگی و بلا تکلیفی در او شد. نقل مکان به پاریس او باعث بهبود بخشید و بخت و اقبال دوباره به او روی آورد. روسو در سال ۱۷۴۲ در جست‌وجوی شهرت به عنوان آهنگساز و نمایشنامه‌نویس عازم پاریس شد. در ابتدا موفقیتی کسب نکرد، اما رفته‌رفته، به واسطهٔ انبوه ارتباطاتی که ایجاد کرد و نیز مقاومتش در برابر نامالیقات، نظرات بسیاری را به خود جلب کرد. پس از ده سال تقلا، اجرای اپرای غیب‌گوی ده‌کده^۱ در برابر شه‌ریار [شهر] فونتن بلو^۲ موفقیتی عظیم برای او به ارمغان آورد. این اوج موفقیت شغلی او به عنوان آهنگساز بود. شاید دوست داشت که بیشتر بر روی طرح‌های اپرایی خود کار کند، اما از آن اجرای موفقیت‌آمیز به بعد همواره نگران فعالیت‌هایی بود که شخصیت‌های پرنفوذ موسیقایی پاریس علیه او انجام می‌دادند. به هر صورت، اپرایگانه علاقه‌ای نبود که پاریس در او پرورنده بود. روسو، در طول زمان طولانی و نسبتاً دشوار تثبیت خود به عنوان آهنگساز و نمایشنامه‌نویس، روابط دوستانه‌ای با چند تن از روشنفکران مهم پاریس ایجاد کرد. مهم‌ترین این افراد دیدرو بود. دیدرو در آن زمان به تهیهٔ دایرة‌المعارف اهتمام داشت. روسو در ادامهٔ این آشنایی تعهد کرد برای این پروژه مقاله‌هایی دربارهٔ موسیقی بنویسد. مقاله‌هایی که او برای این دایرة‌المعارف نوشت رابطه‌اش با ژان فیلیپ رامو، آهنگساز مهم فرانسه در آن زمان، را خصمانه‌تر کرد. با وجود این، تقدیر بر آن بود که نوشته‌های روسو فراتر از مقاله‌هایی دربارهٔ موسیقی برود و موضوعاتی را در بر بگیرد که در خردسالی‌اش بدان‌ها عشق می‌ورزید.

بنابر گفتهٔ خود روسو، در راه وینسن، جایی که با دیدرو قرار ملاقات داشت، اشراقی برای او حاصل شد. در حالی که مشغول مطالعهٔ روزنامه بود، آگهی‌ای توجهش را جلب کرد. فرهنگستان دیژن^۳ مسابقهٔ نگارش مقاله‌ای با این موضوع برگزار می‌کرد:

1. Le Devin du Village
 2. Fontainebleau
 3. Dijon Academy

آیا پیشرفت علوم و هنرهای زیبا منجر به ارتقای بیشتر اخلاق شده است یا فساد آن؟ روسو از لحظه خواندن این آگهی چنین یاد می‌کند: «لحظه‌ای که این آگهی را خواندم چشمم به جهان دیگری گشوده شد و انسان دیگری شدم». مطمئناً آن لحظه‌ای که او عزم خود را برای شرکت در این رقابت جزم کرد، ایده‌هایی در ذهنش غلیان کرد. ایده‌هایی که بعدها ثابت شد از آب درآوردن آن‌ها کار دشواری است. این ایده‌ها درون مایه غالب آثاری شد که او بعدها نوشت. در سال ۱۷۵۰ نوشته‌ او بعدها با عنوان گفتار در باب علوم و فنون منتشر شد، جایزه گرفت. روسو در ادامه این اثر، گفتار در باب منشأ نابرابری را نگاشت که آن هم موفقیت‌هایی کسب کرد. ورود به عرصه نقد اجتماعی منشأ ایجاد شهرت (یا، بسته به نظر مخاطبان‌ش، بدنامی) بیشتری برای روسو شد، هرچند در زمان انتشار این آثار به عنوان آهنگساز کاملاً شناخته شده بود. در جای خود، بعضی از موضوعات مطرح شده در آثار اولیه او را بررسی خواهیم کرد، اما مهم‌ترین ویژگی قابل ذکر درباره این آثار این است که مشخصاً عاری‌اند از شور و شوق نسبت به دستاوردهای فناورانه و اجتماعی بسیار تحسین‌شده آن عصر. روسو در گفتار در باب علوم و فنون قاطعانه به سؤال فرهنگستان پاسخ منفی می‌دهد و استدلال می‌کند پیشرفت علوم و هنرهای زیبا تأثیری زیان‌بار بر خصایل اخلاقی گذاشته‌اند. نخستین نوشته‌های او از این جهت که به شدت برخلاف جریان غالب بودند، علاوه بر اینکه نام روسو را بر سر زبان‌ها می‌انداختند، باعث بروز مجادله نیز می‌شدند.

طی این دوران آشوب فکری، زندگی شخصی روسو نیز جریان نسبتاً آشفته‌ای داشت. او سرگرم چیزی شبیه به زندگی خانوادگی با ترز لواسور، خدمتکار کم‌سواد رخت‌شوی خانه، بود. ترز لواسور، علی‌رغم بی‌توجهی‌های آشکاری که روسو به او می‌کرد، تا آخر در کنار او ماند: احساس روسو به ترز لواسور چیزی بیش از یک دلبستگی گذرا نبود، هرچند نهایتاً در سال ۱۷۶۸ با او پیمان زناشویی بست.

درحالی که آن‌ها ظاهراً به عنوان زن و شوهر زندگی می‌کردند، روسو بی‌هیچ تردیدی روابط عاشقانه‌ی نومیدانه‌ی او با سوفی دودتو^۱ برقرار کرد که از کمالات اجتماعی بیشتری برخوردار بود. ترز لواسور پنج فرزند برای روسو به دنیا آورد، که روسو همه‌ی آن‌ها را به پرورشگاه سپرد. فهم انگیزه‌ی این رفتار ظالمانه‌ی روسو بسیار مشکل است. در سال‌های بعد دشمنان روسو انتقادات زیادی به این رفتار او کردند. بی‌تردید، روسو به رابطه‌اش با ترز به شکل ناجوانمردانه‌ی او پایان داد؛ ترز در اعترافات تقریباً تمثالی از پرهیزکاری قدیسانه است، هرچند مطمئناً از حیث فکری از روسو پایین‌تر بود. روسو بین سال‌های ۱۷۶۰ و ۱۷۶۲، به پشتوانه‌ی موفقیت دو کتاب قبلی خود و حمایت روشنفکران پاریس، اثرگذارترین کتاب‌هایش را نوشت. کتاب ژولی یا هلوئیز جدید^۲ از جمله‌ی این آثار بود. این کتاب داستانی در قالب نامه است که در آن زمان بسیار تحسین شد و چاپ‌های متعددی خورد. در همین دوران، روسو آثاری درباره‌ی سیاست معاصر و سازمان اجتماعی نگاشت. بعضی از این پروژه‌ها هیچ‌گاه کامل نشدند، اما دو کتاب امیل یا در باب تعلیم و تربیت^۳ و قرارداد اجتماعی دو اثر برجسته درباره‌ی فرد و اجتماع بودند که روسو نگارش آن‌ها را به اتمام رساند. متأسفانه ایده‌هایی که او در این دو کتاب مطرح کرد برای بسیاری از مخاطبان بیش‌ازحد مناقشه‌آمیز بود، به‌ویژه بخش‌هایی که درباره‌ی دین سازمان یافته بود. به‌طور خاص، خشم و نفرت ابرازشده درباره‌ی کتاب امیل منجر به محکومیت رسمی کتاب‌های روسو و مهاجرت او همراه با ترز از فرانسه به سوئیس شد. روسو تحت حفاظت فریدریش دوم، پادشاه پروس، مدتی در سوئیس ماند. او در این مدت کوتاه امکان یافت قدری ایده‌های سیاسی‌اش را توسعه دهد، اما خصومت و انزجاری که علیه او، حتی از سوی بعضی از حامیان قدیمی‌اش در فرانسه، شکل گرفته بود، اینجاد در سوئیس نیز گریبانگیرش شد و متخاصمان خانهاش را سنگ‌باران کردند. از آن پس،

1. Sophie d'Houdetot

2. *Julie or the New Héloïse*

3. *Émile or on Education*

دورانی عجیب و غریب در زندگی روسو به وجود آمد. دورانی که خلق و خوی روسو تلخ شد و به شدت دربارهٔ ریشه‌های اذیت و آزارش به دیگران بدگمان شد. او مدتی نیز در انگلستان مهمان دیوید هیوم، فیلسوف برجستهٔ اسکاتلندی، بود، اما روابط آن‌ها در اثر کج خلقی‌هایی که هر دو آن‌ها نسبت به یکدیگر داشتند به تیرگی گرایید. از آن زمان به بعد، وضعیت ذهنی روسو، که هیچ‌گاه ثبات کامل نداشت، به نحو بارزی رو به وخامت گذاشت.

روسو در سال ۱۷۶۷ با اجازهٔ مقامات فرانسوی به فرانسه بازگشت و باقی عمر خویش را در این کشور سپری کرد. او به نوشتن دربارهٔ سیاست و موسیقی ادامه داد و آثاری حدیث‌نفس‌گونه نگاشت. روسو در مقام آهنگساز اعتبار نسبتاً زیادی داشت و در صحنهٔ فکری پاریس، که شاخصه‌های رادیکال‌تری داشت، از شهرت برخوردار بود. وضعیت او هیچ‌گاه ثبات کامل نداشت، هرچند در کنار آنانی که از ابتدا از او متنفر بودند، مثل رامو و ولتر، افرادی همچون دیدرو نیز بودند که او را رها نکردند، حتی در شرایطی که نزدیک‌ترین یارانش از او روی گرداندند. یکی از آخرین کتاب‌های روسو با عنوان رؤیاهای تفرجگر منزوی^۱ این‌گونه شروع می‌شود: «اکنون در جهان کاملاً تنها هستم، بدون هیچ برادر، همسایه یا دوستی. هیچ همراهی برایم نمانده است، مگر خویشتن خویشم.»^۲ وضعیت روانی روسو همواره دستخوش تغییراتی عجیب و غریب می‌شد. او در هر گوشه و کنار توطئه‌ای علیه خود می‌دید. پس از درگیری با یک سگ بزرگ، صدمهٔ زیادی دید و، بعد از آن، دچار تحولی نامتعارف شد و ذهن بیمارش قدری آرامش یافت. واپسین سال‌های زندگی او در آرامشی نسبی گذشت و در سال ۱۷۷۸ در ارنووویل^۲، در نزدیکی پاریس، از دنیا رفت. روسو بخش زیادی از اعتبارش به عنوان شخصی نامدار رادر سرتاسر زندگی پرتلاطم خود حفظ کرد، هرچند دسیسه‌ها و حق‌کشی‌های بسیاری علیه او و برای پایین آوردن جایگاهش انجام می‌گرفت. پس از مرگ، شهرتش به طرز چشمگیری

1. *Reveries of a Solitary Walker*

2. Emmenonville

افزایش یافت و مخاطبان بسیاری با اشتیاق آثارش را مطالعه کردند. پیکر او در سال ۱۷۹۴ در پانتئون^۱، آرامگاه بسیاری از بزرگ‌ترین اندیشمندان و هنرمندان و دولتمردان فرانسه، در خاک آرمید. کتاب اعترافات، که شرح صادقانه و بی‌پرده کاستی‌های شخصی روسوست، همچنان در دسترس است. باوجوداین، میراث سیاسی و فلسفی روسو دلیل عمده توجه به آثار او و بحث از آن‌ها در سرتاسر دوران مدرن است.

1. Panthéon